مرج البحرین

بسم الله الرحمن الرحیم

مرج البحرین

نویسنده:

غلامرضا غزالی اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مرج البحرين

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۸۷

عنوان و نام پدیدآور:مرج البحرین/ غلامرضا غزالی اصفهانی

مشخصات نشر:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع : اشعار

(۱۱۰ رباعی در مدح ومنقبت امیرالمؤمنین(ع)بانضمام رباعیات در رابطه باحضرت زهرا(س)

ص:۱

اشاره

مقدمه

بسم الله الرّحمن الرّحیم

الحمدلله رب العالمین و الصلوه و السلام علی سیدنا محمد و آله اجمعین واللعن علی أعدائهم

قال الله الحکیم فی القرآن العظیم: « مرج البحرین یلتقیان »

آنان که طریق حق می پویند و عرفان معبود می جویند و از قرب الهی سخن می گویند، باید در این اندیشه باشند که معرفت حق، جز از طریق معرفت به معصوم علیه السلام محقق نخواهد شد که در این میان، حضرت امیرالمؤمنین وحضرت زهرا علیهما السلام از جایگاه ویژه ای برخوردارند.

جایی که خداوند در قرآن کریم به مدح این دو بزرگوار پرداخته و با آیه ی شریفه «مرج البحرین یلتقیان» تلاقی دو دریای ولایت کلیه (حضرت علی علیه السلام) و عصمت کلیه (حضرت زهرا علیها السلام) را عنوان فرموده که اگر خواسته باشیم به اندازه فهم خود به این موضوع پی ببریم توجه به این کلام حقتعالی لازم است که می فرماید ای مردم علی علیه السلام دریاست ، ای مردم فاطمه علیها السلام دریاست. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. از این روست که قدرت قلم و بیان و شعر و ... در ادامه مدح خداوند بکار افتاده و باید به اندازه ای عمیق و مایه دار باشد که خدای ناکرده در این مسیر ذره ای لغزش نداشته باشد.

شاعر باید همه جوانب را در شعرش لحاظ کند و از آفات آن خود را در امان سازد و شعر او تک بعدی نباشد باید دقت کرد که اشعار ماندگار است،تکرار و تقلید، کلی گویی، استفاده ی زیاد از بیان خبری و تقریری، بازیهای لفظی و افراط در موازین سخنوری، از مهمترین موانع تأثیرگذاری عاطفی در شعر هستند. یکی از مهمترین موفقیتهای شعر در دهه های اخیر فائق آمدن برخی از شاعران بر این موانع است. شاعران امروز شیوه های مختلفی را برای انگیزش عاطفی در شعرهای خود تجربه می کنند. گاه بیان یک واقعیت از ابعاد و زوایای گوناگون و استفاده از استعارات لطیف را راهی برای نفوذ در دلها قرار می دهند ، شاعران متعهّد ومعتقد در طول تاریخ از طریق سرودن مدائح و مناقب به شناساندن شخصیّت و فضایل اخلاقی سفیران هدایت اهتمام نموده اند و الحقّ با اشعارخوبی که سروده اند هر یک به فراخور بضاعت خویش، اظهار ارادت و محبت و ایمان به خوبی ها را به نمایش گذاشته اند و چراغ راهی در برابر علاقه مندان سعادت فراهم آورده اند. مجموعه حاضرکه منتخبی است از رباعیات در مدح ومنقبت ومرثیه حضرت امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیهما السلام نیز نمونه ای از این مجموعه هاست که این اثر نفیس را شاعر و مداح ارجمند استاد حاج غلامرضا غزالی که عمری را مخلصانه وبی شائبه ، در خدمت به آستان رفیع اهل البیت علیهم السلام به ارمغان گذاشته واز نوای دلنشین اوعاشقان اهل البیت علیهم السلام بهره مند گشته اند ، بنا به سفارش مجموعه فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان و بنا به نیاز مداحان وذاکرین اهل بیت علیهم السلام اشعار ی را از منابع متعددی انتخاب کرده اند.تلاششان بر این بوده تا سروده هایی خوب و مؤثر را برگزینندو این اثر نفیس تحت عنوان «مرج البحرین» فراهم آمده است.امید آنکه مورد رضایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع شود.

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ، سید مجید نبوی ۱۴۲۹ هجری قمری

ص:۴

بسمه تعالی

قصاید

قصیده ۱

شمس اصطهباناتی

فردا زمین غوغا شود تا آسمان هفتمین

زیرا که از اوج فلك آید ملك روی زمین

در دست هریك دسته گل ؛منشور سبز اندرجبین

آن دسته گلها چیده اند از باغ رب العالمین

در هر ورق بنوشته اند با خط قدرت اینچنین

بشری که آمد در وجود مولا امیر المؤمنین

میر عرب؛ ماه عجم؛ معجز نمای لوکشف

چون صبح فردا آفتاب از کوه بطحا سرزدی

روح الامین بهر خبر؛الله اکبر بر زدی

وآنگه حصار کعبه را پیراهنی دیگر زدی

لوحی به شکل یاعلی بر بام و برسر در زدی

نقشی به شکل جای پا بر دوش پیغمبر زدی

برکافران هیبت زدی لبخند برخیبر زدی

یعنی رسید آنکو کز او نسل عدو گردد تلف

با نور تقوا آنکه داشت پوشیده از تقوا جسد

دور از جناب عفتش دست بد و چشم حسد

آنسان که در تعریف او دست تعقل نا رسد

دارد ز قرب ومنزلت بیش ازهمه زنها ر رسد

چون آفتاب آن شیر زن افتاد در برج اسد

هم شیر حق را حامله ؛ هم نام او بنت اسد

درّولایت را نبود شا یسته تر از این صدف

روزیکه با عجز و نیاز بر طوف مسجد زد قدم

دریافت خود در حضرتش از درد زائیدن الم

می جست از فرط حیا خلوت سرائی محترم

در بارگاه کبریا برداشت دستی لا جرم

چون لایق شانش نبود زایشگهی غیر از حرم

آمد ندای ادخلی او راز حی ذوالکرم

چون خاصه فرزند تست رکن ومقام ومزدلف

چون دید صاحب خانه را از میهمان اکراه نی

شد با اجازت در درون جائی که کس راراه نی

حرفی در آن خلوت سرا جز باءبسم الله نی

جز طفلك تسبیح خوان هم صحبتش دلخواه نی

نازم بدان مام وپسر با آنهمه مجد وشرف

چون آرمید آن میهمان باب حرم مسدود شد

ازبس جهان شد بی صدا گوئی بشر مفقود شد

آثار هر نامحرمی هر جا که بود نابود شد

پس هرچه را مایل شدی از امر حق موجود شد

آرام شد اندام او تا ساعت موعود شد

ناگه چراغانی حرم ز انوار آن مولود شد

از شرم خورشید منکسف؛ وز بیم شد مه منخسف

چون دامن بنت اسد شد پایتخت کبریا

یعنی همایون مقدمی بالای آن بگرفت جا

علم خدا؛ دست خدا؛نور خدا؛شیر خدا

محبوب کل ما سوا سالار خیل اولیاء

افتاد از ارزش قدر استاد ازگردش قضا

تغییر کلی آمدی در جسم و روح ماسوا

اوضاع شد وضعی دگر از ما وقع تا ما وقف

این خانه را باید خدا در اصل معماری کند

آدم بنایش برنهد جبریل هم یاری کند

آید خلیل الله درآن یک چند حجاری کند

آنرا اولولعزمی دگر منقوش و گچکاری کند

هر یک ز آباءرسول پس خانه سالاری کند

اینسان خدا از خانه اش چندی پرستاری کند

تا ساعتی از دوستی یک میهمان داری کند

زان میهمان داری مگر امر قوی جار ی کند

پس نقشه های ما سلف بد بهر این زیبا خلف

قصیده ۲

هر کس تر اشناخت غم ازجان وسر نداشت

سر داد وسر زپای تو یک لحظه بر نداشت

بالله تجلیات جمال تو گر نبود

از جلوه و جلال خدا کس خبر نداشت

ای ماه من زمانه پس از ختم انبیاء

بهتر ز ذات پاک تو دیگر پسر نداشت

در کارگاه خلقت اگر گوهرت نبود

نخل تناور بشریت ثمر نداشت

تیغ تو گر نبود شجاعت یتیم بود

داد تو گر نبود عدالت پدر نداشت

تو شاهکار دستگه آفرینشی

عنوان نامه اشرف و فضل و بینشی

موسی که داشت آرزوی دیدن خدا

گو بنگرد ترا که نئی از خدا جدا

بهجتی شفق

رباعیات حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام

رباعیات۱

ص:۹

روزیکه علی به کعبه آمد به وجود

مخصوص علی خدا در از کعبه گشود

دربست بداد خانه خود به علی

یعنی که علی است خانه زاد معبود

صغیر اصفهانی

* *

در مخزن لا یموت در دانه علیست

در کون ومکان امیر فرزانه علیست

در کعبه ظهور کرد تا بر همه کس

معلوم شود که صاحب خانه علیست

صغیر اصفهانی

* *

دانی که علی مظهر خلاق مجید

از بهر چه در خانه حق گشته پدید

زیرا که علی منادی توحید است

باید که عیان شود زبیت التوحید

خوشدل تهرانی

* *

چشمان علی دوچشمه خورشید است

لبهای علی لبالب از توحید است

سوگند به کعبه خانه میلادش

اسلام محمد از علی جاوید است

* *

تا پای ؛علی به بیت توحید گذاشت

اسلام به دهر نقش جاوید گذاشت

راز صمدیت و عبودیت را

آنروز خدا به معرض دید گذاشت

مؤید

* *

ابر کرم خدا ببارد امروز

نومید کسی را نگذارند امروز

شکرانه سالروز میلاد علی

زهرا به بقیع جشن دارد امروز

* *

میلادعلی رسید وبا نام علی

باید که شوی مجری احکام علی

برنامه جمهوری اسلامی ما

درسی بود از مکتب اسلام علی

* *

ص:۱۲

در محفل ما مهر و وفا موج زند

یاد نجف و کربلا موج زند

این بزم چو یاد آور میلاد علی

در هرطرفی نور خدا موج زند

* *

برخیز که شاه اولیاء می آید

سلطان سریر لافتی می آید

جبریل دهد مژده که بیشه غیب

با نشو و نما شیر خدا می آید

* *

بگو تراب ببالد که بو تراب آمد

بگو به ماه نیاید که آفتاب آمد

بگو به بتگر بی دین که بت دگر متراش

کسی که بتکده ها را کند خراب آمد

* *

مژده بازم خبر از باغ جنان آمده است

با خبر باش که که مولا به جهان آمده است

گل بریزید به پایش همه دامن دامن

عطر بپاشید که آن فخر جهان آمده است

* *

بر عشق تو ما که سر نهادیم علی

پرورده مکتب جها دیم علی

میلاد ترا بر غم وهابیّت

ما جشن گرفته ایم شادیم علی

مؤید

**

در بیت خدای لم یلد لم یولد

از روی علی دمید انوار صمد

میلاد علی شد که محمد فرمود

باشد مثلش چو قل هو الله احد

مؤید

میلاد علی معجزه ای زیبا کرد

نابودی کفر و شرک را امضاء کرد

اوچشم خدا بود و دو چشم خود را

بر صورت زیبای محمد وا کرد

**

آنسان که به جز خدای معبودی نیست

مانند علی به کعبه مولودی نیست

بر خویش قسم خورده و فرموده خدا

در طاعت بی مهر علی سودی نیست

* *

ص:۱۴

میلاد علی ولی سرمد باشد

شاهی که ز سوی حق مؤید باشد

تنها نه همین حجت دادار علیست

داماد پسر عم محمد باشد

* *

آدم نه به گندم جنان راغب بود

شوق دگرش بجان و دل غالب بود

می خواست بهانه ای که آید به نجف

مقصود علی بن ابیطالب بود

* *

با دست ولا باب جنان کوبیدم

از حلقه در نام علی بشنیدم

یعنی که خدای دو جهان فرماید

در بست بهشت را به علی بخشیدم

* *

دنیا به مثل بهر بشر مزرع کشت است

بی حب علی کشتن این مزرعه زشت است

بنوشته چنین بر در فردوس خداوند

هر کس که علی دوست بود اهل بهشت است

ژولیده نیشابوری

* *

ص:۱۵

عمریست که دم به دم علی می گویم

در حال نشاط و غم علی میگویم

تا حال علی گفتم و انشاءالله

در باقی عمر هم علی می گویم

صغیر اصفهانی

* *

ای کرده خدا تو را ولی ادرکنی

ای کرده نبی تو را وصی ادرکنی

دستم تهی ولطف تو بی پایان است

یا حضرت مرتضی علی ادرکنی

* *

ازعین علی عیون ما بینا شد

از لام علی لسان ما گویا شد

در یای علی نور خدا می بینم

زان نور محمد و علی پیدا شد

* *

از خلقت ما خلق که امر ازلیست

مقصود خدا چهارده نور جلیست

وان چار محمد دو حسن یک موسی

زهرا وحسین وجعفر و چار علیست

* *

ص:۱۶

به ذره گر نظر لطف بوتراب کند

به آسمان رود و کار آفتاب کند

شعاع ذره زخاک در ولای علیست

و گر نه ذره کجا کار آفتاب کند

* *

یارب از دلهای ما محبت رامگیر

این تجمع این توسل این ارادت رامگیر

هستی ما بستگی دارد به مهر اهلبیت

هر چه می خواهی بگیر اما ولایت را مگیر

فریور

* *

ای اهدنا الصراط بحب تومستقیم

بغض تو دوزخ است و بود حب تو نعیم

گر مجتمع بدند خلایق به حب تو

هرگز نمی نمود خدا خلقت جهیم

* *

از روز ازل که خاک ما گل کردند

برصورت حق شکل وشمایل کردند

از بهر ولای مرتضی حصنی را

بنیاد نهاده نام او دل کردند

* *

ص:۱۷

در مکتب آفرینش پیر واستاد علیست

عالم همه بنده اندو آزاد علیست

آمد نمک و علی موافق بعدد

یعنی نمک سفره ایجاد علیست

* *

اول ازجام و لا ساغر بزن

پس در کاشانه حیدر بزن

من نمی گویم بیا این در بزن

چون زدی این در ؛در دیگر مزن

***

چون نامه اعمال مرا پیچیدند

بردند وبه میزان عمل سنجیدند

بیش ازهمه کس گناه ما بود ولی

ما را به محبت علی بخشیدند

* *

گر برتر از آسمان بود منزل تو

وز کوثر اگر سرشته باشد گل تو

چون مهر علی نباشد اندر دل تو

مسکین تو وسعی های بی حاصل تو

رباعیات۲

ای کردگار گفته ثنای تو یا علی

وی روزگار خوان عطای تو یا علی

بنهاده روی عجز و ارادت نه آسمان

بر خاک آستان گدای تو یا علی

* *

به روز خم غدیر از مقام لم یزلی

به کائنات ندا شد ندا به صوت جلی

که به احمد مرسل به ....تر وبهتر

امام وسرور ومولا علیست علی

صاعد

* *

برگشت اگر به حکم حیدر خورشید

ا زقدرت آن جناب مشمار بعید

انگشتر افلاک در انگشتش بود

هرسو که اراده داشت میگردانید

* *

اوصاف علی به گفتگو ممکن نیست

گنجایش بحر در سبو ممکن نیست

من ذات علی به واجبی نشناسم

اما دانم که مثل اوممکن نیست

میرزا ادهم کاشی

* *

ص:۱۹

آن را که قدم رسد به در یای نجف

ده جای به افسرش چو در های نجف

مولای موالیان بود هر که شود

شایسته مولائی مولای نجف

محمد رضا خوانساری

* *

بر درگهت ای سرور معبود صفات

اسکندر ومن صرف نمودیم اوقات

بر همت من کجا رسد همت او

من خاک در تو جستم و آب حیات

ناصر الدین شاه

* *

در خاک نجف «ندیم» آسوده بخواب

اندیشه مکن ز پرسش روز حساب

جائی که بدل به سرکه گردد می ناب

بی شبهه گنه شود مبدل به ثواب

میرزا زکی ندیم

ص:

* *

تا حب علی مرا بود در رگ وپوست

رنجم ندهد سرزنش دشمن و دوست

جز نام علی لب به سخن وانکنم

از کوزه همان بون تراود که در اوست

مردانی

* *

دریای سپهر کائنات است کفش

نبود چو علی گوهری اندر صدفش

خورشید گهی بدر شود گاه هلال

گر عکس دهد به ماه دّر نجفش

* *

پیغمبر ما گوهر این هفت صدف

ختم همه انبیاست از روی شرف

او خاتم انبیاء و باشد در کار

آن خاتم را نگینی از در نجف

* *

آدم نشدی خیل ملک را مسجود

در صلب وی ار ، آن گهر پاک نبود

از صبح ازل تا به شبانگاه ابد

مانند علی کسی نیامد به وجود

شیرازی

* *

ص:۲۱

چون ذات علی ولی حق مظهر هوست

گر نام ورا، خدا علی خواند نکوست

در خانه حق علی به دنیا آمد

از کوزه همان برون تراود که در اوست

ریاضی یزدی

* *

گشتیم به جان بنده اولاد علی

هستیم همیشه شاد با یاد علی

چون سّر ولایت از علی ظاهر شد

کردیم همیشه ورد خود ناد علی

گورکانی

* *

یا ناد علی سینجلی دستم گیر

یا واقف سر ازلی دستم گیر

از پای فتاده ام ای دست خدا

یا حضرت مرتضی علی دستم گیر

میرزا عبدالوهاب

* *

ص:۲۲

روزیکه خد ا بنای افلاک بهشت

بر هفت در بهشت و دوزخ بنوشت

بر شیعه مرتضی حرام است جهیم

بر دشمن مرتضی حرام است بهشت

* *

حجاج به گرد کعبه لم یزلی

خواندند خدای را به آواز جلی

بسیار در خانه حق کوبیدند

تا آنکه سر از خانه در آورد علی

* *

این نکته کلام احمد مختار است

روی سخنش به حیدر کرار است

کز شیعه تو کسی جهنم نرود

وز امت من جهنمی بسیار است

* *

ای آنکه براهین کست باور نیست

کس غیر علی وصی پیغمبر نیست

برگشت به حکمش آفتاب این چه کنی

برهانی از آفتاب روشن تر نیست

رضوان

* *

شاها تو مع اللهی والله معک

حب تو به ایمان و به کفر است محک

چون نام تو با نمک به تعداد یکی است

نشناخت ترا هر آنکه نشناخت نمک

* *

ننوشت برای ورد روز وشب من

جز نام علی معلم مکتب من

گر غیر علی بود کسی مطلب من

ای وای من وکیش من و مذهب من

* *

هر چند به زیر طاق این هفت صدف

غوّاص فضا گرفته گوهر بر کف

از حق مگذر که نیست دیگر ممکن

چون گوهر نور بخش دریای نجف

* *

در مذهب ما کلام حق ناد علیست

طاعت که قبول حق شود یاد علیست

از جمله آفرینش کون و مکان

مقصود خدا علی و اولاد علیست

حافظ

* *

آئینه مهر روشن از یاد علیست

او راد ملک بر آسمان ناد علیست

گر سلطنت دو کون را می طلبی

در بندگی علی و اولا د علیست

ذوقی

* *

روزیکه علی به صلب آدم ضم شد

پشت فلک از بهر سجودش خم شد

آب وگل آدم آنقدر قدر نداشت

از مرتبه پسر ؛ پدر آدم شد

* *

ای مصحف آیات الهی رویت

وی سلسله اهل ولایت مویت

سرچشمه زندگی لب دلجویت

محراب نماز عارفان ابرویت

* *

شاهی که به زیر چتر اعلاست علیست

ماهی که به زیر ابر پیداست علیست

در هر دریا هزار دّر بیشتر است

دّری که در آن هزار دریاست علیست

* *

ص:۲۵

فرمود علی به حارث همدانی

این نکته زمن باد بتو ارزانی

از مؤمن وکافر همه بینند مرا

چون مرگ بگیرد بدن انسانی

* *

ایکه گفتی فمن یمت یرنی

جان فدای کلام نیکویت

کاش روزی هزار مرتبه من

مردمی تا بدیدمی رویت

وفائی

رباعیات۳

در ملك وجود رهبر داد علیست

آنکس که براه داد ؛جان داد علیست

آزاده بجز پیروی او نکند

چون راهبر مردم آزاد علیست

* *

چون حلقه باب خلد آواز کند

از قول نبی یا علی آغاز کند

رضوان شنود زحلقه چون نام علی

در بر رخ شیعه علی باز کند

ملک الشعرای صبوری

* *

ص:۲۶

شاهنشه ملك لا مكانست علی

سر حلقه رندان جهان است علی

آرام دل راحت جان می طلبی

آرام دل و راحت جان است علی

* *

مرآت کمال و مظهر جود علیست

افضل ز همه ممکن و موجود علیست

از قول محمد است این نکته که گفت

شایسته ترین بنده معبود علیست

محمد علی مردانی

* *

آصف نشد آگاه کس از راز علی

ز انجام ندانست کس آغاز علی

زان پرده که جز خدا نمی بود در او

پیغمبر ما شنید آواز علی

میرزا آصف قهقری

* *

پیر خرد آمدم شبی اندر خواب

پرسیدم از او پرسش روز حساب

گفتا که بگو مهر که داری در دل؟

گفتم که علی گفت که آسوده بخواب

حسین جهرمی

* *

با ذات خدا ذات علی محسوس است

در مدح علی وجهه یا قدوس است

در بین بشر ابوعلی سینا گفت

معقول علی نوع بشر محسوس است

ابوالفرج اصفهانی

* *

پیدا همه از علیست آثار خدا

پنهان همه در علیست اسرار خدا

از کار علی که آورد سر بیرون

ناورد برون کسی سر از کار علی

منتخب یزدی

* *

بر باب جنان خدای حی ازلی

بنوشت به کلک صنع با خط جلی

در خلد برین راه نیابد هرگز

آن کس که تهی است دلش از مهر علی

* *

دلها ز ازل بسته گیسوی علیست

روی دل ذرات جهان سوی علیست

جز روی علی نظر بر روئی نکنم

چون آئینه خدا نما روی علیست

* *

دانی ز چه این چرخ کهن می گردد

نه بهر تو و نه بهر من می گردد

از گردش آن چون علی آمد به وجود

می بالد وگرد خویشتن می گردد

* *

هر دل که دم از ولای حیدر نزند

ساغر به لب چشمه کوثر نزند

زان دست ولایتش در از خیبر کند

تا غیر درش کس در دیگر نزند

* *

عالم همگی مظهر انوار علیست

جبریل امین محرم اسرار علیست

هر کس به جهان کار خدائی کرده

آثار خدائی همگی کار علیست

خم پشت فلک ز بار میثاق علیست

تر روی زمین زابر انفاق علیست

خواهی که مظفر شوی اندر دو جهان

مشتاق کسی باش که مشتاق علیست

میرزا عبدالکریم قمی (کوثر)

* *

در خم غدیر باده از جام الست

دادند محمد و علی دست به دست

چون دید عدو که دیگری ساقی شد

مستی بنمود و شیشه عهد شکست

* *

در مدح علی عقل فرو می ماند

خاک قدمش به آبرو می ماند

هر کس که به حج نرفت از راه نجف

حجش به نماز بی وضو می ماند

* *

من دیده به احسان علی دادم و بس

سر در خط فرمان علی دارم وبس

هرکس زده دست خود به دامان کسی

من گوش به فرمان علی دادم وبس

* *

روزیکه که عیار خلق می سنجیدند

اندر گل ما حب علی را دیدند

بس جامه معقول به ما پوشیدند

ما را به محبت علی بخشیدند

* *

فرزند بزرگ روزگار است علی

با مردم رنج دیده یار است علی

از دامن مرتضی علی دست مدار

زیرا که ولی کردگار است علی

* *

ای خوانده خدا ترا ولی ادرکنی

ای خوانده نبی ترا وصی ادرکنی

دستم تهی ولطف تو بی پایان است

یا حضرت مرتضی علی ادرکنی

* *

از امر خدا و احمد نیک سرشت

بر سر در باغ خلد جبریل نوشت

بر خصم علی ورود اکیدا ممنوع

چون ویژه شیعه علی هست بهشت

* *

عمری به جهان علی فداکاری کرد

شب تا به سحر ز خوف زاری کرد

در محضر حق بکوری چشم عدو

شش دانگ بهشت را خریداری کرد

* *

قرآن بجز از مدح علی آیه ندارد

ایمان بجز از مهر علی مایه ندارد

گفتم برو م سایه لطفش بنشینم

دیدم که علی نور بود سایه ندارد

* *

تا پای علی به بیت توحید نهاد

اسلام به دهر نقش جاوید نهاد

راز صّمدیت و عبودیّت را

آن روز خدا بمعرض دید نهاد

* *

بر احمد و حیدر فکن ای دانا مهر

کس نیست جز این دو کار فرمای سپهر

زانگشت یکی دو نیمه شد در شب ماه

وز دست یکی بروز باز آمد مهر

خوشدل تهرانی

* *

هرکس زمحبان شهنشاه ولی است

ز اصحاب یمین بحکم برهان جلیست

باشد علی و یمین مطابق به عدد

اصحاب یمین محقق اصحاب علیست

صغیر اصفهانی

* *

در کعبه ودر کنشت موجود علیست

عالم همه طالبند ومقصود علیست

نیک ار نگری حقیقت اشیاء را

ز آئینه کائنات مشهور علیست

صغیر اصفهانی

** *

ص:۳۳

نه چرخ که برفراز هم نه طبق است

از دفتر مدح مرتضی یک ورق است

دیدار حق ار طلب نمائی حق را

در شخص علی ببین که مرآت حق است

صغیر اصفهانی

* *

از ذات خداوند کسی آگه نیست

بر کنه کمال او خرد را ره نیست

فرمود علی ز آنچه آری به تمیز

مخلوق خیال تست آن الله نیست

صغیر اصفهانی

رباعیات۴

اسلام چو از نصب علی کامل شد

اکملت بمصطفی نازل شد

واضح ز رضیت گشت این کز اسلام

در نصب علی رضای حق حاصل بود

* *

سلطان سریر لامکان است علی

مولا و امیر انس وجان است علی

آگه ز علوم کن فکان شیر خدا

ممدوح همه خلق جهان است علی

صغیر اصفهانی

* *

* ای سر خفی نور جلی ادرکنی

ای دست خدای ازلی ادرکنی

تو دست خدائی ومن افتاده ز پا

یا حضرت مرتضی علی ادرکنی

صغیر اصفهانی

* *

ای شیر خدا شاه ولایت مددی

ای بحر سخا کان عنایت مددی

در وادی بی کفایتی حیرانم

ای صاحب رتبه کفایت مددی

* *

ص:۳۵

خورشید چرا غکی زانوار علیست

مه نقطه کوچکی زیر پرگار علیست

هر کس که بدل مهر علی را دار

همسایه دیوار به دیوار علیست

صغیر اصفهانی

* *

مردی ز کننده در خیبر پرس

اسرار کرم ز خواجه قنبر پرس

گر تشنه فیض حق به صدقی حافظ

سر چشمه آن ز ساقی کوثر پرس

حافظ

* *

چون نام علی نام خدای احد است

بسم الله ویا علی مدد هم عدداست

وآنگاه بحق چو با علی گشت یکی

هر جا که علی مدد بود حق مدد است

جلال الدین همائی (سنا)

* *

ص:۳۶

بی ذکر علی صومعه ودیری نیست

کس راپی درک ذات اوسیری نیست

گویند که از غیر علی چشم بپوش

هر جا نگرم علی بود غیری نیست

جیحون

* *

بر پا ز جهاز اشتران منبر شد

برعرصه آن نبی والافر شد

بخ بخ ز اوج افلاک گذشت

روزیکه علی وصی پیغمبر شد

قاسم نوروزی (ذره)

* *

شاهی که کننده در خیبر بود

در رزم حریف یک جهان لشکر بود

سرسلسله نژاد آدم گردید

فخر همه دودمان پیغمبر بود

* *

علی علم ونبی علم الیقین است

علی انگشترو خاتم نگین است

هر آنکس در دلش مهر علی نیست

حسابش با کرام الکاتبین است

* *

ص:۳۷

اوصاف علی به هر زمان باید گفت

این ذکر به پیدا و نهان باید گفت

در جشن ولیعهدی مسعود علی

تبریک به صاحب الزمان باید گفت

* *

چون عید غدیر اشرف اعیاد است

ذکر صلوات بهترین اوراد است

شادند اگر جمله محبان چه عجب

زیرا که دل آل محمد شاد است

مؤید

* *

شخصیت ممتاز جهان است علی

حاکم به زمین و آسمان است علی

در روز غدیر خم پیمبر فرمود

مولای چو من به انس و جان است علی

* *

در حجه الوداع بفرمان حی بی نیاز

شد منبر از حجاز و نبی گشت بر قرار

دست علی گرفت و به گفتار که این بود

ازبعد من خلق جهان رکن هر نماز

* *

ص:۳۸

آن شاه که او قسیم نار است وجنان

در ملک جهان صاحب سیف است وسنان

ملک دو جهان مسخر اوست بلی

این را به سنان گرفت و آنرا به سه نان

* *

در ممکن غیب ذات او مخفی بود

او بود و به غیر ذات او هیچ نبود

چون خواست به خویش خود نمائی بکند

آورد محمد و علی را به وجود

* *

حلقه سست زمین و اونگین است هنوز

صد چشم زمان سوی زمین است هنوز

زان فاجعه گرچه چارده قرن گذشت

والله ؛ علی خانه نشین است هنوز

* *

موجود بجز ذات علی کیست بگو

بی مهر علی کسی چسان زیست بگو

گوئی مه و خورشید به جنت نبود

پس نور محمد و علی کیست بگو

* *

موئی که سفید بود کردند خضاب !

یا از گل عشق حق گرفتند گلاب

چشمی که تمام عمر شب خواب نداشت

از بهر همیشه رفت امشب در خواب

ص:۴۰

رباعیات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

رباعیات۱

ص:۴۱

زهرا که وجودش سبب خلقت ماست

صد شکر که نور مهر او قسمت ماست

فرمود امام عسکری در وصفش

ما حجت خلق و فاطمه حجت ماست

* *

چون فاطمه به حکم خلاق بشر

تزویج نمود علی را پیغمبر

میگفت بزهره مشتری در یک برج

گشتند قرین یکدگر ماه و قمر

* *

سّر ابد وحیات سرمد زهراست

آئینه حق نمای احمد زهراست

چون شد سخن از ام ابیها بمیان

زهراست محمدو محمد وزهراست

* *

در عرش خدا عقد زهرا چو به بست

بر بام فلک همای عزّت بنشست

مسرور شد نه آدم و جن و ملک

دادند چو زهرا و علی به هم دست

* *

محبوبه حق کسی بجز فاطمه نیست

در هر دو جهان کسی چواو عالمه نیست

هرکس که به جان ودل ولایش دارد

در روز جزا بر دل او واهمه نیست

* *

ای بر همه انبیا تو مادر زهرا

یک نکته ز وصف توست کوثر زهرا

کن دیده ما به روی مهدی روشن

ای روشنی چشم پیمبر زهرا

* *

عالمی را کردی از نورت مسخر فاطمه

بحر علم حق ندارد چون تو گوهر فاطمه

جز تو نبود هیچ کس در پیشگاه ذوالمنن

ماسوی را دادرس در روز محشر فاطمه

* *

بر عالمیان رحمت رحمان زهراست

در هر دو جهان سرور نسوان زهراست

نوری که دهد شاخه طوبا از اوست

کوثر که خدا گفته به قرآن زهراست

* *

زهرا که شرافت از پیمبر دارد

آراسته همسری چو حیدر دارد

این باغ اگرچه گل فراوان دارد

اما گل یاس عطر دیگر دارد

* *

نوری زخدیجه چون قمر پیدا شد

زهرا چو طلیعه سحر پیدا شد

در بیستم ماه جمادی الثانی

زآینده یازده گوهر پیداشد

* *

بیستم ماه جمادی جلوه گاه کوثر است

روز میلاد سعید دختر پیغمبر است

دیگران را روز مادر بی سند باشد ولی

با سند سادات را آن روز ،روز مادر است

* *

در رتبه زانبیاء مقدم زهراست

همتای علی مرد دو عالم زهراست

برگوی به آنکه اسم اعظم جوید

شاید که تمام اسم اعظم زهراست

* *

بر چرخ عفاف نور سرمد زهراست

محبوبه حق دختر احمد زهراست

خاتون قیامت است و بانوی بهشت

سر سلسله نسل محمد زهراست

* *

عالم صدف است وفاطمه گوهر اوست

گیتی عرض است این گوهر جوهر اوست

در قدر و شرافتش همین بس که زخلق

احمد پدر است مرتضی همسر اوست

* *

یا فاطمه روز حشر ستاری کن

دل سوختگان را زکرم یاری کن

ما با همه گفتیم که با زهرائیم

لیکن تو بیا و آبروداری کن

* *

یارب اگر من گناه بی حد دارم

افعال قبیح و کرده بد دارم

خشنود از این که درجزا شافعه ای

چون فاطمه دخت پیمبر دارم

* *

کتاب فضل فاطمه هرگز تمام نتوان کرد

اگر مداد شود ابحر و قلم اشجار

کسی که دم زند از فضل بی نهایت او

چو مرغکی است که از بحرتر کند منقار

* *

دیدم که به عرش بزم عیشی برپاست

برپا کن این بزم شعف ذات خداست

گفتم به خرد چه اتفاق افتاده

گفتا که عروسی علی و زهراست

* *

زهرا که عنایتش به دنیا برسد

باشد که به فریاد دل ما برسد

یارب سببی ساز که در روز جزا

پرونده ما به دست زهرا برسد

* *

یافاطمه جان دست من و دامانت

ای چشم امید همه بر احسانت

بادا بفدایت پدر و مادر من

ای گفته محمد: پدرت قربانت

* *

من آن یاس سفید گلبن بی خار دادارم

که فرموده نبی آزار زهرا هست آزارم

اگر چه بیمارم ولی بی پرده می گویم

دل من بیشتر سوزد بر احوال پرستارم

* *

افسوس که انوار جلی را کشتند

ناموس خدای ازلی را کشتند

با میخ در خانه نوشته است چنین

با کشتن فاطمه ،علی را کشتند

* *

طایر پر بسته پریدنی نیست

غنچه نورسته که چیدنی نیست

بآن دو گلچین ستمگر بگو

یاس کتک خورده که دیدنی نیست

* *

نخلی که شکسته ثمرش را نزنید

مرغی که زمین خورده پرش را نزنید

دیدید اگر که دست مردی بسته است

در پیش رخش همسر او را نزنید

* *

بر سوخته باغ ما دگر سر نزنید

این خانه آتش زده را در نزنید

از ما که گذشت مادری را دیگر

در خانه به پیش چشم دختر نزنید

* *

مادر بیا که شامم بی تو سحر ندارد

جز گریه از فراقت کاری پدر ندارد

باخون سینه تو بنوشته روی دیوار

حاجت به در زدن نیست این خانه در ندارد

* *

چه جرات داشت آتش باغ مولا را بسوزاند

اگر آهی کشد حیدر ثریا را بسوزاند

خدا را مصلحت این بود در راه علی، زهرا

بماند پشت در داغش دل ما را بسوزاند

* *

من آن گلم که دیده ز گلزار بسته ام

از بسکه دیده ام ستم از خار خسته ام

بنشسته گر بخوانم از این پس نماز خویش

یا رب مرا ببخش که پهلو شکسته ام

* *

دگر پروانه بال وپر ندارد

نه بال وپر که خاکستر ندارد

مفسر ها شما با خون نویسید

که قرآن علی کوثر ندارد

رباعیات۲

* *

همه عهد خدا بشکسته بودند

علیه ما به هم پیوسته بودند

از آن رو پشت در افتادم از پا

که دست شوهرم را بسته بودند

* *

نه تنها داغ پیغمبر مر اکشت

نه سیلی نه فشار در مرا کشت

به خون محسن ششماهه سوگند

غم مظلومی حیدر مرا کشت

* *

یا فاطمه ای یا ر کفن پوش علی

پروانه وحی خاموش علی

لرزید زمین به خویش چون دید فلک

تابوت تورا نهاد بر دوش علی

* *

ص:٥٠

آن فرقه ایکه تیشه به نخل ولا زدند

آتش به درب خانه شیر خدا زدند

با ثامن الائمه جوادالائمه گفت

با تازیانه مادر ما را چرا زدند

* *

آن فرقه ایکه تیشه به نخل فدک زدند

بر زخم قلب ختم رسولان نمک زدند

مهدی بیا ز قاتل مادر سؤال کن

زهرا چه کرده بود که او راکتک زدند

* *

یک باغ گل آتش زدن ندارد

لاله و غنچه سوختن ندارد

طاقت سیلی یاسمن ندارد

یک زن تنها که زدن ندارد

* *

آنروز که صبر پا فشاری می کرد

در خانه وحی لاله کاری می کرد

می خورد کتک فاطمه وز مادر خویش

یک دختر چهار ساله یاری می کرد

* *

بساط عشق من بر چید گلچین

به زخم من نمک پاشید گلچین

کنار پیکر بی جان یاسم

به اشک حسرتم خندید گلچین

* *

یک عمر به سینه داغ غم پروردی

آخر ز غمت خون به دل ما کردی

در اوج بهار پرپرت را دیدم

گل بودی وداغ غم نمی آوردی

* *

رفتی وزمانه بی تو تنها مانده است

تنها و به کا ر خویشتن وا مانده است

در شام مدینه ، از فراقت زهرا

آوای غریب وا غریبا ! مانده است

* *

تو کوثری و چشم تو زمزم زهرا

طوبائی و قامتت ز غم خم زهرا

با یک سر موی محسنت همسو نیست

گر کشته شوند خلق عالم زهراست

* *

چه می شد گر مرا با خود به آن کوچه نمی بردی

چه می شد من نمی دیدم توهم سیلی نمی خوردی

اگر آنروز همراهم تو را با خود نمی بردم

مرا دیگر نمی دیدی میا ن کوچه می مردم

* *

روح گل یاس رو بر افلاک گذاشت

پروانه وشمع خود چه غمناک گذاشت

در لیله تدفین ، شه دین جانش را

همراه تن فاطمه در خاک گذاشت

* *

الا ای شکوفه من چه زود پژمردی

ز باغ خانه ام آخر بهار را بردی

تمام عمر بسوزم به یاد آن روز ی

که پیش چشم ترم تازیانه می خوردی

* *

چه شور و چه نوا دارد مدینه

به لب بس نغمه ها دارد مدینه

به یاد غربت زهرا و حیدر

دل درد آشنا دارد مدینه

* *

صفای خانه حیدر کجائی

گل من ، یار من ،کوثر کجائی

شده ذکر یتیمان تو زهرا

بیا مادر بیا مادر کجائی

* *

نوای ناله نیلوفر آید

عدو با نعره هایی یکسر آید

میان آن همه غوغای دشمن

صدای محسن از پشت درآید

* *

به پیشت تا سحر می مانم ای یار

سحر ها ر به تو مهمانم ای یار

به من گفتی بخوان قرآن برایم

برایت هل اتی می خوانم ای یار

* *

مغیره بعد کشتنت به من سلام می کند

قنفذ و خنده اش مرا ز هر بکام می کند

فاطمه جان ببین حسین نهاده سر به پای تو

حسن نماید آرزو که جان دهد به جای تو

* *

با چشم خود دیدم مظلومی پدر را

از ناله ای که مادر در آستانه میزد

مردم به خواب بودند مادر زهوش می رفت

بابا به صورتش آب زاشک شبانه میزد

**

ایکه می خواهی بدانی قبر زهرا کجاست

رمز پیدا کردن آن خاک گرم کربلاست

مشتی ازآن خاک بر دارو بیفکن دربقیع

هر کجا بنشست قبر همسر شیر خداست

**

ای خاک ره تو تاج سرها زهرا

وی قبر تومخفی زنظر ها زهرا

تاباب شفاعت تو بازاست چه غم

گر بسته شود تمام درها زهرا

**

یادم ز غم فاطمه چون می آید

از دیده سرشگ لاله گون می آید

چون تربت پاک اطهرش بشکافند

از سینه او هنوز خون می آید

**

مسمار در خانه مگر تشنه خون بود

کز سینه زهرای جوان رفع عطش کرد

بین در و دیوار نگویم که چها شد

آنقدر بگویم به خدا فاطمه غش کرد

* *

فلک دیدی چه خاکی بر سرم کرد

به طفلی رخت نیلی در برم کرد

الهی بشکند دست مغیره

میان کوچه بی مادرم کرد

* *

از خانه باب مارا بردند سوی مسجد

آنسان که تیر غم راغم بر نشانه میزد

مادر چو دید بابا بگرفت دامنش را

او می کشید و قنفذ با تازیانه میزد

* *

من علیم که دلم واهمه از غم نکند

تاکه زهراست کسی پشت مرا خم نکند

کم بود عمر دو صد نوح مرا گرچه اجل

سایه فاطمه را از سر من کم نکند

* *

آنروز نخل ماتم از دل جوانه میزد

از درب خانه ما آتش زبانه میزد

آنروز مادر ما در آستان در بود

کان بی حیا لگد را بر درب خانه میزد

* *

غم آمد شادیم از یاد رفته

توان از جسم عدل و داد رفته

دو دست خود علی برهم زد و گفت

تمام هستیم بر باد رفته

* *

آنچنان ضرب لگد از نفس انداخت مرا

که هم آغوش غم داغ پسر ساخت مرا

زن همسایه دیوار به دیوار امروز

بعیادت بر من آمد و نشناخت مرا

* *

من علیم که خدا قبله نما ساخت مرا

جز خدا و نبی و فاطمه نشناخت مرا

من که یکباره در از قلعه خیبر کندم

داغ زهرا ی جوان از نفس انداخت مرا

* *

سوزنده تر از داغ تو داغی نبود

پژمرده تر از تو گل بباغی نبود

روشنگر دلهائی و امّا افسوس

بر گمشده قبر تو چراغی نبود

* *

الا ای مادر پهلو شکسته

که دشمن رشته عمرت گسسته

ز جا برخیز و بین گرد یتیمی

به رخسار عزیزانت نشسته

* *

الا ای چاه یارم را گرفتند

گلم، عشقم، بهارم را گرفتند

میان کوچه ها با ضرب سیلی

همه دار و ندارم را گرفتند

* *

دعائی زیر لب دارم شبانه

تو آمین گوی ای دّر یگانه

الهی هیچ مظلومی نبیند

عزیزش را به زیر تازیانه

* *

من ایستاده بودم دیدم که مادرم را

قاتل گهی به کوچه گه بین خانه میزد

گاهی به پشت و پهلو، گاهی بدست و بازو

گاهی بچشم و صورت ، گاهی به شانه میزد

* *

تک بیتی های مرثیه

من نمی گویم چرا پهلوی من بشکسته اید

لیك می گویم چرا دست علی را بسته اید

* *

بابا مرو ز خانه برون نزد ما بمان

تا میروی تو مادر ما گریه می کند

* *

زندگی بی گریه بر زهرا ز مردن بدتر است

گر نمی خواهم بگریم گر بمیرم بهتر است

* *

زندگی بی گریه بر زهرا ز مردن بدتر است

گر نمی خواهم بگریم گر بمیرم بهتر است

* *

تو که در روز جان دادی چرا شب دفن شد جسمت

نمی دانم چه سرّی بود در این کار مادرجان

* *

ص:59

دل من بر علی می سوخت چون قنفذ مرا می زد

نگاه غربت او بیشتر می داد آزارم

* *

شبی در خواب بودی آمدم بازوی تو دیدم

مبادا اینکه بیدارت کنم آهسته بوسیدم

* *

چنان از ضرب سیلی رفتم از هوش

که راه خانه را گم کرده بودم

* *

گردیده بود قنفذ همدست با مغیره

او با غلاف شمشیر آن تازیانه می زد

* *

مجلس ختمی برای مادرت زهرا گرفتیم

هر که بود آمد ولی صاحب عزا مهدی نیامد

* *

ای کاش من حسن را همره نبرده بودم

تا در مقابل او سیلی نخورده بودم

* *

تو با سقط جنین اعلام کردی

مطیع ظلم گشتن عار باشد

* *

ص:٦٠

چو درب خانه سوخت پرسیدی کجا بودم

تو می خوردی کتک منهم بزیر دست و پا بودم

* *

شب که تاریک است و در بر روی مردم بسته است

زائری چون مهدی صاحب زمان دارد بقیع

ص:۶۱

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹